

امت وسط و خطر افراط و تفریط

سید احمد زرهانی

می‌شود که دشمنی با دیگران، مجوزی برای عبور از عدالت و تعرض و بیدادگری نیست. تقوای الهی اقتضا می‌کند که خشم برخاسته از دشمنی مهار شود و انسان در موضع قدرت و تفوق، جانب عدالت را رعایت کند.

یکی از شگردهای شناخته شده استعمار نو و سازمانهای اطلاعاتی وابسته به استکبار جهانی، ترساندن مسلمانان از همدیگر است. آنان تلاش می‌کنند شیعه را خطر بزرگی برای سنی و سنی را خطر بزرگی برای شیعه معرفی کنند، تا از این رهگذر، شکاف به وجود آورند و مسلمانان را از خطر صهیونیسم و نفت خواران جهانی غافل کنند و آنان را به جان هم اندازند. آنان با ابزارهای رسانه‌ای و فرهنگی ویژه، به جنگ روانی و شایعه پراکنی و ایجاد وحشت‌های کاذب می‌پردازند.

این حيله به نوعی در صدر اسلام هم وجود داشته است. قرآن مجید می‌فرماید: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»^۲. مطابق این آیه شریفه، نگرانیهای ساخته استعمار و جو بدبینی و سوء تفاهمهای تصنعی، نباید ملاک قضاوت و اقدام قرار گیرد و زمینه آتش افروزی

قرآن مجید خاستگاه تمدن دیروز، امروز و فردای امت اسلامی است. آیات روشن این کتاب حکیم، نقشه راه مسلمانان را به نیکی ترسیم می‌کند. هر حرکتی برای اصلاح جوامع مسلمان، باید بر مبنای تعالیم قرآن سازماندهی شود و گرنه به بن‌بست می‌رسد. عدول از راهبردها و راهکارهای قرآنی، سرانجامی به غیر از انحطاط و سردرگمی ندارد.

در عصر یر ابهام مادی‌گرایی و استعمارگری، هر راهی که صبغه الهی نداشته باشد، به مقصد نمی‌رسد. از این رو لازم است کسانی که در رأس جریانهای فکری و اجتماعی قرار می‌گیرند، متکی به قرآن باشند و در فهم معارف و حیوانی همت گمارند، تا از صراط مستقیم منحرف نشوند و به بیراهه نروند و به جای آب، گرفتار سراب نگردند. یکی از ویژگیهای بارز قیام کنندگان برای خدا و تحول آفرینان و اصلاح گران امت اسلامی، پایبندی به عدالت و آلوده نشدن به ظلم است. حتی با دشمنان هم باید با دادگری و حق باوری برخورد کرد و به بهانه موحد بودن، نمی‌توان به ناحق دست تعدی بر سر مخالفان فرود آورد.

قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمِ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۱. از این آیه شریفه روشن





را هموار کند، بلکه باید این نوع گزارشها و پردازشهای نادرست در گروههای تحلیلگر و متخصص و راهبران فقیه و عالم و مستنبط در دین مورد مطالعه قرار گیرد و صحت و سقم آنها بررسی شود و سره از ناسره جدا گردد.

در این گیرودارها، رسالت عالمان دین سنگین و تعیین کننده است که اگر سکوت کنند، بیم آن می‌رود که چهره‌های متعصب و عصبانی با استنباطهای غلط و افراطی، مرتکب کارهای خطرناک شوند و جان و مال و سرزمین مسلمانان را به بهانه‌های واهی تهدید کنند. یکی از آفتهای کنونی در بخشی از جهان اسلام، رواج لذت بردارکشی است. این پدیده شوم، ریشه در قساوت قلب و کوردلی و کژفهمی در دین دارد و اهل استنباط حقایق دین، باید با آن مبارزه علمی و عملی کنند و این آفت را از میان بردارند.

قرآن مجید می‌فرماید: «أَقْمِنُ شَرَحَ اللَّهِ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۳ در منطبق قرآن اگر چشم دل با نور پروردگار روشن شود، کار به قساوت قلب نمی‌کشد و اگر امروز کسانی با سخت دلی و بی‌رحمی برخی از مسلمانان را قتل عام می‌کنند، هرگز نمی‌توانند پرچم اسلام محمدی (ص) را برافرازند و ادعای دین باوری کنند. اعتدال با نرم دلی و اهتمام در جهت احقاق حق و ابطال باطل تناسب دارد و افراط و تفریط، زمینه ساز بی‌عدالتی و سنگ‌دلی و انحراف از موازین اسلامی است. اسلام دین اعتدال و حق‌گرایی است.

قرآن مجید می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ»^۴ غوطه‌ور شدن در امواج

تعصبات کور و ایجاد وحشت در دل اهل قبله و تحزب جاهلانه و زیاده‌روی در طایفه‌گرایی، در قاموس دین جایگاهی ندارد. این قبیل جهت‌گیریهای نامعقول و خودبینانه، تداعی کننده حکمت جاودانه «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»^۵ است. اسلام دین احزاب متشتت و از هم گسیخته نیست، بلکه اسلام منادی امت واحده است که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۶ ورود به ساحت مقدس امت واحده هنگامی میسر است که همه به ریسمان خدا متصل و متمسک شوند، نه به ریسمان پوسیده تعصبات خشک و تحلیلها و استنباطهای ناروا که سرانجامی جز خشم الهی در پی نخواهد داشت.

اختلاف علمی و فقهی و تفاوت در استنباط، امری طبیعی است. اگر خدا می‌خواست همه بنی‌آدم را مثل هم می‌آفرید و به عقاید یکسان مجهز می‌کرد، ولی براساس حکمت چنین نکرده و راه تعقل و تفکر و هدایت‌پذیری را باز گذاشته است، تا انسانها با رشد فکری و اعتقادی راه درست را پیدا کنند و در فضای رحمت و هدایت الهی پویا و رویش داشته باشند. فلسفه اختلافهای فکری در منطبق قرآن این‌گونه تبیین می‌شود: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»^۷ این آیات باشکوه و اعجاز آفرین یکی از پایه‌های محکم حیات اجتماعی و راز تکامل فکری و اعتقادی بنی‌آدم را نشان می‌دهند و به خوبی آشکار می‌سازند که راهی جز رحمت و هدایت الهی برای رستگاری وجود ندارد.

پس کلید در سرای امت واحده، هدایت‌پذیری و عبور عاقلانه از اختلافات و تنفس در فضای رحمت پروردگار است. با این رویکرد مسلمانان حق ندارند با زبان آتشین

۵. مؤمنون، ۵۳؛ روم، ۳۲.

۶. انبیاء، ۹۲.

۷. هود، ۱۱۸ و ۱۱۹ و به صورتی دیگر در سوره شوری آیه ۸ آمده است: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ».

۳. زمر، ۲۲.

۴. بقره، ۱۴۳.

گلوله باهم سخن بگویند، بلکه منطق دین وسط التزام به حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن است، حتی با اهل کتاب و کسانی که با مسلمانان اختلاف نظر دارند. این سخن رسای قرآن را باید بر لوح جان همه مجاهدان فی سبیل الله نوشت که فرموده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۸. آیین گفتگو و تبادل آراء و اندیشه‌ها، در اسلام و فرهنگ توحیدی، ریشه‌های محکم دارد و عبور شتاب‌زده از این آیین، نشانه ساده لوحی و کم عمقی است که برازنده هیچ مسلمانی نیست. وقتی مسلمانان مجاز نیستند در رویارویی با کافران از الفاظ ناشایست و ادبیات سخیف استفاده کنند، چگونه بعضاً به خود حق می‌دهند که به هم‌کیشان خود با بی‌پروایی اهانت روا دارند و اهل قبله را متهم به کفر کنند؟! آیا این دشنام‌گوییها و درشت‌خوییها نشانه تصرف شیطان در افکار بدگویان و تندخویان نیست؟ خداوند حکیم در صدر اسلام این‌گونه به مسلمانان تذکر می‌دهد: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»^۹. آیا نوع محاوره و گفتگوی خشنی که در میان برخی از فرق اسلامی در ماهواره‌ها و فضای مجازی رواج یافته است، تناسبی با قول احسن و قول سدید دارد؟ باید همه ما به سوی قرآن روی آوریم و خود را بازنگری و اصلاح کنیم و آموزه‌های وحیانی را سرمشق قرار دهیم.

قول احسن، نشانه اعتدال، و درشت‌گویی و اهانت به دیگران، بیانگر تندروی و افراطی‌گری است که با فرهنگ انبیا سازگاری ندارد. در منطق روشن امت وسط، تمرکز بر مشترکات دینی، حرکتی خردمندانه و پذیرفتنی است. حتی مسلمانان موظف شده‌اند با اهل کتاب بر مبنای کلمه سوی که همان اعتقاد به مبدأ و معاد است، تعامل و تعاون داشته باشند. خداوند می‌فرماید:

۸. نحل، ۱۲۵.
۹. اسراء، ۵۳.

أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»^{۱۰}. مسلمانان که در اعتقاد به توحید، نبوت و معاد همه در یک طراز قرار دارند و پیامبر اعظم (ص) و قرآن مجید خاستگاه فرهنگ توحیدی تمام آنان است، به طریق اولی حق دارند، بلکه موظفند که باهم باشند و مانند یک بنیان مرصوص پابرجا بایستند و با قدرت در مسیر حق حرکت کنند و عزیز و شکست‌ناپذیر در صف واحد باشند.

از ویژگیهای بارز امت وسط و همراهان رسول اعظم (ص) «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^{۱۱} است؛ یعنی شدت عمل با کفار مهاجم و مهربانی و رحمت با هم‌کیشان و مسلمانان. اگر در اثر حربه‌های پیچیده استعمار جای این جاذبه و دافعه عوض شود، امنیت و ثبات امت واحده از میان می‌رود. برای رهایی بخشهایی از جهان اسلام که به دام افراط و تفریط گرفتار شده و امت اسلامی را با چالشهای نگران‌کننده‌ای مواجه کرده‌اند، باید اهل حل و عقد و مجتهدان و متفکران اسلامی از همه مذاهب و فرق مسلمان باهم تعامل و تعاون داشته باشند و راهکارهای قرآنی را تدوین و اجرا کنند و جلوی ریختن خون مسلمانان را خردمندانه بگیرند. این کار از دور، سخت به نظر می‌آید، ولی این قول محکم خداوند است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^{۱۲}. راه دشواری در پیش رو است، اما راه بسته نیست و طلیعه بیداری اسلامی نوید هم‌گرایی اهل استنباط و عقلای جهان اسلام را می‌دهد و صبح نزدیک است. گذر از این گردنه «صعب العبور»، با هوشمندی و استعانت از خداوند توانا میسر است: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^{۱۳}.

۱۰. آل عمران، ۶۴.

۱۱. فتح، ۲۹.

۱۲. عنکبوت، ۶۹.

۱۳. ممتحنه، ۵.

